

مشکلات امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر اساس چالش ها و چشم اندازها

سعید جمشیدی^۱، فرشاد پرنا^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان

چکیده

علت ها و منابع چالش های امنیتی در محیط داخلی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را بررسی میکنیم که هدف ما پرداختن به مواردی میباشد که مورد نظر بسیاری از نویسندگان است و هدف ما بررسی مسئله اختلافات شورای همکاری خلیج فارس و پرداختن به موضوعات امنیت منطقه برای منطقه خلیج فارس است، چراکه یکی از پویاترین و قطبی ترین مناطق برای ظهور تهدیدها و چالش ها میباشد که به دلیل متعدد بودن منابع تهدید و پیچیدگی آنها و به دلیل ویژگی محیط استراتژیک و پیامدهای منفی که می تواند در منطقه خلیج فارس داشته باشد. به ویژه مسئله امنیت منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس که به مرکزی برای رقابت قدرتهای بین المللی و منطقه ای برای حفظ منافع خود و اطمینان از دستیابی به اهداف خود تبدیل شده است، که این امر در فضای امنیت داخلی خلیج فارس را پیچیده تر کرده است به ویژه زمانی که رویدادهای اخیر که توسط بسته اقدامات سعودی ها و امارات و بحرین ارائه می شود که علاوه بر این هر سه کشور در برابر قطر شروع به آشکار کردن اختلافات و چالش های داخلی کرده و ضعف و توانایی های شورای همکاری خلیج فارس برای انجام تعهدات خود در پایه ریزی یک سیستم مشترک امنیتی دفاعی نمایان تر کرده است و برای مقابله جمعی با این چالش ها ناتوان بوده و بنابراین چالش های امنیتی تنها خارجی یا منطقه ای و یا بین المللی نیستند بلکه از درون روابط شورای همکاری خلیج فارس می باشد.

واژه های کلیدی: امنیت منطقه ای، شورای همکاری خلیج فارس، مشکلات امنیتی

مقدمه:

شورای همکاری خلیج فارس یک انتقال امنیتی بی‌سابقه‌ای داشته است که بنابراین آنچه را که در منطقه است نتیجه پیامد ۳ جنگ و همچنین حوادث ۱۱ سپتامبر بوده که یک تغییر اساسی در محیط بین‌استراتژیک آن و تحولات در همه سطوح سیاسی فرهنگی اجتماعی و نظامی می‌باشد، که بارزترین آن تغییر گرایش برای به کارگیری مستقیم نیروی نظامی در منطقه است که با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و خروج عراق از معادله امنیتی منطقه ای منجر شد و علاوه بر این کشورهای منطقه برای پیوستن به سیستم جنگ علیه تروریسم و انجام اصلاحات داخلی تحت یکسری روش‌های فشار قرار دارند که علاوه بر این منطقه شاهد جنگ‌های فرقه‌ای و نیابت و رقابتی دچار شده است که در این مقاله با نفوذ و هژمونی و آزمون و حل چالش‌های داخلی در صورت عدم مدیریت و ارائه راه‌حلهای طریق ترتیبات امنیتی منطقه که ممکن است نشان‌دهنده پاسخ واقعی به چالش‌های داخلی است که امنیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را تهدید می‌کند، بررسی می‌کنیم.

نکته جالب توجه این است که مسئله امنیت منطقه اگرچه مدت‌هاست برای آن بحث شده است، اما با تغییراتی جدی در سطح محیط‌های خارجی و داخلی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و بقای بیداری اسلامی در منطقه از سال ۲۰۱۱ به بعد منجر به تولید تهدیدها و چالش‌های در سطح محیط داخلی خلیج فارس کمک کرده است. سوال اصلی پژوهش بر این مبنا است که مشکل امنیتی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با توجه به ضعف و توانایی آنها در تعیین واکنش‌های واقعی برای مواجهه با چالش‌های داخلی که بین اعضا آن دچار واگرایی شده در نتیجه کدام عوامل بوده که باعث ظهور پاسخ‌های منفی به چالش‌های فضای داخلی شورا منجر شده است؟ پاسخ به عنوان فرضیه باید گفت که هرگاه اجماع بر چشم‌اندازهای مشترک از تهدید واحد نسبت به چالش‌های پیش روی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وجود داشته باشد انگیزه‌هایی برای پاسخ مثبت به چالش‌های داخلی وجود دارد و بالعکس.

در ارتباط با روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش باید گفت از آنجایی که هدف پژوهش حاضر در ارتباط با چالش‌های امنیتی و آینده پژوهی است، بنا بر اساس رجوع به کتاب مقالات و مجلات تخصصی می‌باشد و روش گردآوری این تحقیق به صورت تبیینی است و متناسب با موضوع پژوهش فرایند انجام تحقیق پاسخگویی به سوالات چرایی و چگونگی با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی است و هدف اصلی پژوهش پرورش یک چارچوب نظری تحلیلی است که بیانگر چگونگی چالش‌های پیش روی اعضا شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد که در این فرایند بر تبیین موضوع پژوهش علت‌کاوی و زمینه‌های اثرگذار بر متن یا واقعه مورد مطالعه می‌باشد و به همین جهت در این مقاله در سه قسمت به این موضوع پرداخته شده است که در قسمت اول به چارچوب نظری مقاله یعنی مفهوم چارچوب امنیت منطقه ای و در قسمت دوم چالش‌های امنیتی و در قسمت سوم به چشم‌اندازهای آینده در انتظار اعضای شورای همکاری خلیج فارس، پرداخته می‌شود.

۱-۱ چارچوب نظری:

مکتب کپنهاگ که از نظریه پردازان مشهور آن باری بوزان است درباره ی مطالعات امنیتی می باشد که در جهت بنیان نهادن جایگاه مستقل برای مطالعات امنیتی می باشد که این نوع مطالعه را از مطالعات راهبردی جدا و آن را زیر مجموعه روابط بین الملل قرار می دهد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۳). این نوع مطالعات امنیتی در دهه ۱۹۸۰ شروع شد و بر این باورند که معنای امنیت الزاماً در مسیر گسترش باید چند نکته را مد نظر داشته باشد: اول اینکه بحث امنیت نباید فقط به حوزه نظامی محدود شود، بلکه معنای کلی تری را شامل شود که بتوان آنها را در عرصه های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی به کار برد و دوم مفهوم امنیت نباید به کشور منتهی شود، بلکه باید مردمان آن ملت نظام بین الملل را نیز شامل شود. (شبهان، ۱۳۸۸: ۶). مفهوم شروع، مفهوم منطقه است از نظر امنیتی شبیه یک سیستم مشخص و معروفی از روابط امنیتی بین مجموعه ای از دولت هاست که از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک می باشند. (باری بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۳). نکته ای که باید مد نظر داشت این است که این نظر حاصل کنش و واکنش دو عنصر جغرافیا و آنارشی است که ساختار سیاسی آنارشی باعث شده تا دولت ها با همدیگر روبه رو شده و معضل امنیتی را ایجاد کنند و یا به عبارتی باید گفت عوامل امنیتی منطقه ای ناشی از سیستم آنارشی بین المللی می باشد. (باری بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

این نظریه از پایین به بالا می باشد یعنی اینکه ویژگی خاص منطقه یا مناطق را شناسایی می کند با استفاده از این عوامل یک تصویر جهانی سر هم می کند و به نوعی این پیام را به نو واقع گرایان و جهان گرایان می دهد که برای تجزیه امنیتی از بالا به پایین حرکت کرده و در نگرش تجزیه و تحلیل های خود تفکری جدید داشته و مناطق و منطقه ها را از لحاظ هستی شناسی متغیر مستقل بشناسند جایی که در آن حوادثی رخ داده شده که از قبل و جای دیگری تعیین شده است. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۳۹). و این نظریه مدعی است با شناخت ساختار جدید نظام بین الملل می توان به نوعی توازن قوای نسبی و روابط دوسویه در روابط جهانی و منطقه را مورد سنجش قرار داد ولی با اینکه یک حلقه چهارمی است ساختار در نواحی واقع گرایی را ارائه می دهد ولی با فاصله گرفتن از نوع واقع گرایی و کمک است فهم سازه انگارانه از امنیت باعث این شده که از نواک گرایی فاصله داشته باشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۲). عوامل امنیتی منطقه ای سازه های اجتماعی هستند که به صورت آگاهانه و چه ناآگاهانه توسط اعضای آن مجموعه و به دلیل در هم تنیده شدن پروسه امنیتی و نیز امنیتی کردن آنها ایجاد می شود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

در این نظریه متغیرهای جغرافیایی در کانون نظریه قرار می گیرند چرا که به نظر آنها انتقال تهدید را در فاصله زمانی کوتاه تر بهتر و راحت تر از فاصله طولانی انجام می پذیرد. (buzan:2010). و به همین جهت وابستگی متقابل امنیتی به طور طبیعی، نماد دسته بندی های منطقه ای این عوامل منطقه ای مبدل می شود، که همسایگی فیزیکی باعث میشود که تعاملات امنیتی میان همسایگان یک منطقه به مراتب بیشتر از تعاملات امنیتی دولت ها می باشد که در دیگر نقاط مختلف قرار گرفته اند. (walt,1987:276-277).

در یک اثر دیگری که از باری بوزان تحت عنوان چارچوب تازه ای برای تجزیه و تحلیل امنیت در سال ۱۹۹۸ منتشر شده بود نظریه مجموعه امنیتی را این گونه تعریف می کند «عواملی از واحدها یا دولتها که در آن عوامل عمدی غیر امنیتی کردن و امنیتی کردن یا هر دوی آن به یک اندازه در هم تنیده می باشد که عمده مشکلات امنیتی نمی تواند تفکیک از یکدیگر تحلیل شود. (باری بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵). که بر این اساس این نظریه بر اساس الگویی دوری و دوستی شناخته می شود. بنابراین نظریه مجموعه های منطقه ای امنیتی دارای مولفه های زیر می باشند از جمله،

مرزها، ساختار آناش بندی، قطب بندی ها یعنی توزیع قدرت در میان دولت ها و ساخت اجتماعی که شامل الگوی دشمنی و دوستی می شود.

نظریه مجموعه امنیتی دارای مولفه هایی می باشد که به اختصار به آنها پرداخته می شود اول اینکه؛ الگوی دشمنی و دوستی یعنی اینکه نوعی دوستی واقعی تا حمایت و حفاظت را داشته باشد و معنای دشمنی به نوعی سوءظن و هراس بر روابط حاکم باشد مانند اختلافات مرزی آنچه که در منطقه خلیج فارس مشهود است دوم اینکه؛ وابستگی متقابل امنیتی: به این معنا که تغییر و تحولات در هر یک از دولت ها بر روی دیگری تاثیر می گذارد. (buzan,1998:189-190).

سوم همسایگی: مجموعه امنیتی از کشورهایی که در همسایگی یکدیگر قرار دارند به وجود می آید

چهارم: وجود حداقل دو بازیگر: مجموعه عوامل امنیتی منطقه ای نمی شود بدون تصور دو بازیگر قدرتمند تصور کرد

پنجم: استقلال نسبی: در عین آنکه کشورها از یکدیگر جدا بوده و روابط امنیتی آنها با یکدیگر پیوند می باشد

ششم: نژاد و قومیت و فرهنگ: این نوع مولفه نقش بارزی در ایجاد یک سازمان محلی ایفا می کند

هفتم: اقتصاد: اقتصاد در هر کشوری نقش ثابت را دارد که در نهایت می تواند بر مجموعه امنیتی تاثیر داشته باشد. (buzan,1991:200-202).

در این چارچوب کسانی که دیدگاه واقع بینانه به امنیت دارند معتقدند که برای مقابله با تهدیدهای نظامی واقعی و بالقوه دولت و ارزیابی توانایی های نظامی شش کشور شورای همکاری خلیج فارس ضروری است، بنابراین امنیت باید بر اساس این چهارراه تدوین شود:

۱- شناسایی تهدیدات ناشی از محیط استراتژیک فرمول موثر امنیت منطقه

۲- استراتژی برای توسعه نیروهای ملی

۳- فراهم ساختن توانایی مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی با ایجاد نیروهای مسلح قادر به مقابله با این تهدیدات

۴- شناسایی سناریوها و رفع تهدیدات

امنیت می تواند چند دسته داشته باشد مانند امنیت بین المللی، منطقه ای و بین المللی که از طریق آن می توانیم امنیت منطقه را به عنوان حلقه پژوهش خود به کار ببریم، مخصوصاً زمانی که روی بررسی مشکل امنیتی در کشور های شورا، امنیت منطقه ای تمرکز می کنیم، اگرچه امنیت منطقه ای نتیجه تعاملات محلی بین طرف های منطقه می باشد. این نوع امنیت از امنیت بین المللی و تعاملات اساسی آن جدا نیست مخصوصاً در منطقه ای که منافع استراتژیک یک طرفه های بین المللی مورد توجه قدرت های بزرگ قرار بگیرد مخصوصاً اینکه مناطقی وجود دارد که امنیت بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهند و مناطق دیگر تحت تأثیر تغییر و ماهیت ادراکات مربوط به

مفهوم امنیت و سطوح قرار می‌گیرند و و از آنجایی که موضوع پژوهش ما منطقه خلیج فارس می باشد مثال بارز امنیت خلیج فارس آمیخته است با امنیت بین المللی.

امنیت بین المللی سطح امنیتی گسترده و جامعه ای است که مجموع و کل امنیت هر کشور عضو در محیط بین الملل است و این سطح تحت تأثیر روابط دولت با سایر کشورها به ویژه ابرقدرت ها و فرمول اتحاد های استراتژیک در مورد مسائل منازعه و رقابت های بین المللی سهم دولت در تحقق امنیت بین المللی و مشارکت آن در نشست های بین المللی محدودیت های اعمال شده توسط سیستم امنیت جمعی پذیرفته شده توسط جامعه بین المللی.

در همین زمینه امنیت منطقه ای به عنوان مجموعه ای از سیاست های هماهنگ و یکپارچه برای گروه از کشورها در یک منطقه واحد با ویژگی های مشترک همکاری بین آنها تعریف می شود. و به همین ترتیب مبانی امنیت منطقه ای به ارتقاء همکاری و ادغام بین کشورهای منطقه در سطوح مختلف برای ایجاد شرایط برای توسعه روابط بین منطقه ای در میان کشورهای منطقه در همه زمینه ها تعهد به اهداف اساسی هر سیستم منطقه ای بستگی دارد. بنابراین ایجاد یک سیستم امنیت منطقه ای مستلزم وجود مجموعه ای از عناصر اساسی است که تحقق این واحدهای منطقه ای هزینه بالای درگیری ها را آزاد می کند پذیرش ایده توسعه سیستم امنیتی به گونه ای که بیانگر دیدگاه های مختلف در مورد موضوعات منطقه ای و بین المللی باشد، بنابر این ثبات در هر منطقه باید با پذیرش بر اجماع و همکاری منطقه ای باشد و اتکا به روابط دوجانبه و این انگیزه ایجاد سیستم های منطقه ای با نقشه های امنیتی مبتنی بر سازگاری و همکاری در چارچوب زیر سیستم های منطقه آینده را تقویت می کند.

۱-۲ شورای همکاری خلیج فارس:

اشغال افغانستان توسط شوروی، پیروزی انقلاب اسلامی، ناکامی عراق در حمله به ایران، و سد کردن ایدئولوژی انقلاب اسلامی، سران کشورهای عرب خلیج فارس را به تفکر وا داشت. به دنبال آن، سعودی ها فرصت را برای طرح مجدد مسئله تشکیل اتحادیه منطقه ای مناسب دیدند. از این رو با وزرای خارجه عربستان، کویت، عمان، قطر، بحرین و امارات در دیدارهایی که در روزهای ۴ و ۵ فوریه ۱۹۸۱ در ریاض داشتند، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را اعلام کردند. در همان دیدارها تصمیم گرفته شد که شورا چهارچوبی برای هماهنگی سیاست ها بین دولت های عضو به وجود آورد که در ضمن به مسئله امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس نیز توجه داشته باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۶۰).

اگرچه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و وقوع اتفاقات دیگر در منطقه، تلاش هایی در جهت همگرایی میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شکل گرفته بود، اما در واقع پیدایش شورای همکاری خلیج فارس را حاصل و برآیند طبیعی تلاش های دسته جمعی کشورهای عضو جهت حفظ امنیت دسته جمعی بلکه حاصل تحولات شگرف اواخر دهه هفتاد میلادی بود. (طبری، ۱۳۸۱). در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج این کشور از اردوگاه غرب و کشورهای منطقه از نظر امنیتی چه در داخل و چه در خارج احساس خطر کردند، چرا که موجب خیزش های داخلی در در این کشورها گردید و از سوی دیگر، این امر با اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی همزمان شد. در چنین شرایطی رژیم های حاکم متکی به حمایت های مردمی نبودند و برای حفظ وضع موجود و

تثبیت قدرت خود در داخل و افزایش توانایی خود در عرصه بین المللی اقدام به ایجاد یک اتحادیه سیاسی امنیتی و اقتصادی کردند. (پیران نسب، ۱۳۸۳: ۲۱).

شورای همکاری خلیج فارس که متشکل از ۶ کشور عربی حاشیه جنوب خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، عمان و کویت) است. این شش کشور به استثنای عربستان سعودی، طی دهه های ۵۰ تا ۷۰ میلادی به استقلال دست یافته بودند. بنابراین استقلال دیرنگام و وابستگی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و علمی این دسته از کشورها به خارج از منطقه یکی از ویژگی های مشترک اعضای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می شود. (امام جمعه زاده و توپسرکانی، ۱۳۸۹).

در ماده سوم اساسنامه شورای همکاری خلیج فارس از اهداف بنیادی این شورا را به صورت زیر بیان داشته است:

- ۱) تحقق همگانی و تکامل و همبستگی بین کشورهای عضو در همه زمینه ها تا دستیابی به وحدت کامل؛
- ۲) تعمیق و تحکیم مناسبات و وجوه متعدد همکاری های موجود بین ملت های کشورهای عضو در همه زمینه ها؛
- ۳) تدوین اساسنامه های مشابه در حوزه های گوناگون مالی، اقتصادی، بازرگانی، گمرکی، آموزشی، بهداشتی، جهانگردی، امور قانونگذاری و اداری؛
- ۴) پیشبرد برنامه های علمی و فنی در زمینه های مختلف با هدف تحقق بختی برای کشورهای عضو (ماده ۳ اساسنامه).

هر چند این شورا هدف از تاسیس خود را مجموعه ای از همکاری های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، ولی، بهداشت مالی، اجتماعی و... مطرح نموده است؛ اما می توان گفت که هدف و انگیزه اصلی تشکیل این شورا چنان که بعدها نیز آشکار شد، هماهنگی های سیاست های دفاعی، نظامی و امنیتی و یک کاسه نمودن توانایی ها در مقابله با تهدیدات مشترک خارجی به ویژه انقلاب اسلامی ایران بوده است (دلاژ و کریزیک، ۱۳۶۶: ۱۴۶)؛ چرا که ایران دارای بزرگترین خلیج فارس و ارتش این کشور قوی ترین نیروی مسلح در این منطقه است. به دلیل داشتن بیشترین ساحل در خلیج فارس و نیز کنترل کامل بر تنگه هرمز دارای بهترین موقعیت راهبردی در منطقه می باشد. افزون بر این که به لحاظ جمعیتی، ایران دارای جمعیتی بیشتر از مجموع تمام اعضای شورای همکاری خلیج فارس می باشد. به لحاظ تولید ناخالص ملی نیز ایران بعد از عربستان دومین جایگاه را در کشورهای منطقه دارد. از نظر صنعتی و میزان سواد نیز ایران رتبه اول در کشورهای منطقه را دارا می باشد. (طارمی، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی به وقوع انقلاب با ایدئولوژی اسلامی در ایران و شعار صدور انقلاب و ضدیت با غرب، کشورهای منطقه خلیج فارس را با یک پله امنیتی و یک تهدید مشترک روبرو ساخت.

البته بعد از حمله عراق به کویت و متعاقب آن، حمله آمریکا به عراق حاکی از عدم توانایی شورای همکاری خلیج فارس در حل بحرانهای امنیتی اعضای خود بود، کشورهای کویت، بحرین، قطر و امارات برای حراست از امنیت خود با کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه قراردادهای دوجانبه همکاری های نظامی و امنیتی منعقد کردند. با امضای این قرارداد که در حقیقت مواجهه نوعی تحت الحمایگی مدرن است، حضور نظامی این کشورها در خلیج فارس - در هوا زمین و دریا- توسعه یافته و پوشش امنیتی آمریکا و سایر کشورهای متحد آن جایگزین پوشش امنیتی اعراب گردید (حیدری عبدی، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲- چالش های داخلی امنیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس:

شورای همکاری خلیج فارس با چالش های زیادی همراه بوده است که دارای پیامدهای سیاسی اقتصادی اجتماعی و نظامی بوده است که در دستیابی به اهدافی که برای آن تأسیس شده تاثیر زیادی گذاشته به این مجموعه محدودیت ها برای تاثیر گذاری موثر در منطقه ایجاد کرده است. به طوری که شورای همکاری خلیج فارس در پاسخ به چالش هایی که در نتیجه تغییرات امنیتی رخ داده در منطقه به طور مشترک با آن روبرو شده بود تأسیس شد شورای همکاری خلیج فارس با چالش های زیادی همراه بوده است که دارای پیامدهای سیاسی اقتصادی اجتماعی و امنیتی و نظامی بوده است که در دستیابی به اهدافی که برای آن تأسیس شده است تاثیر زیادی گذاشته این مجموعه در محدودیت هایی برای تاثیر گذاری موثر آن در چارچوب منطقه ایجاد کرده است. (alsaiadi,2019:44).

بنابراین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به این نتیجه رسیده اند که چالش های آنها که باهش روبرو می باشند مجبور می شوند فرمولهایی همکاری و تفاهم مشترک برسد تا با ایجاد یک سیستم اقدام جمعی برای آن مقابله کرده و به آن پاسخ دهند که این سیستم ابزاری برای نزدیک شدن و همکاری بین آنها می باشد به طوری که شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ در پاسخ به چالش هایی که در نتیجه تحقیقات امنیتی رخ داده بود که با آن روبرو شده بود تأسیس شد. درس جنگ مهم منطقه ای از جمله حمله عراق به ایران و حمله عراق به کویت و آزادسازی کویت توسط ائتلاف آمریکا و همچنین حادثه ۱۱ سپتامبر و تغییرات آن در فضای ژئوپلیتیک منطقه مشاهده شده است. (wherey,2015:12) که با ویژگی های آن تحقیق با تمایل به مداخله مستقیم نظامی در منطقه مشخص می شود که اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و خروج آن از توازن معادله امنیت منطقه ای و همچنین قرار گرفتن در معرض کشورهای منطقه فشارهای با پیامدهای سیاسی و اقتصادی شده است.

با پیوستن استراتژی جنگ آمریکا علیه تروریسم و افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی کاهش قیمت نفت و افزایش سطح جرایم سازمان یافته همه چالش هایی هستند که در صورت عدم رسیدگی و مدیریت توسط آنها را تحت تاثیر قرار داده و گسترش می دهد وجود ترتیبات امنیتی در سطوح منطقه می تواند پاسخ واقعی به این مشکلات و چالش ها بین واحدهای سیستم منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس شود.

۱-۲: چالش هویت:

مهمترین چالش ها و پیامدهای سیاسی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چالش هویت بوده است هویت شورای همکاری خلیج فارس همچنان مبهم می باشد منشور عالی به درستی تعریف نشده است که شرایط تأسیس آن مانع از توسعه آن شده به ویژه که فرمول امنیتی ظهور یافته بر ماهیت تعاملات و روابط بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حاکم است که اسنامه در هیچ یک از بندهای خود به آنچه که در شورای همکاری خلیج فارس است اشاره نکرده است آیا این یک عملکرد سیاسی است که از هماهنگی و همکاری به سمت ادغام حرکت می کند یا یک گردهمایی امنیتی ایجاد شده به دلیل ماهیت شرایطی که با تأسیس یا ادغام اقتصادی آن همزمان شده است که تعیین ماهیت آن مبهم است که ناشی از ماهیت شورا و اهداف آن می باشد (الانصاری، ۲۰۱۷:۳۲۴-۳۲۷)، و در این راستا تعدادی از تصورات در مورد هدف تأسیس آن بررسی می شود:

اولین بعد آن اقتصادی می باشد توسط دولت کویت اتخاذ شد پدید آمد که این تمرکز بر اولویت اقتصادی و اجتماعی از ایده امکان تقویت همکاری بین شورای همکاری خلیج فارس بود که کشورها برای ارتقاء بازارهای مشترک میان اعضا می باشد

دومین بعد آن ماهیت نظامی از کتاب توسط سلطان نشین عمان تصویب شد چرا که این شورا باید یک اتحاد نظامی باشد که علیه دشمنان خاص و همچنین جلوگیری از امکان درگیر شدن گروه های بین المللی خارج از سیستم منطقه باشد.

سوم چشم انداز سیاسی است که توسط عربستان اتخاذ شده است مبنی بر چگونگی دستیابی به هماهنگی سیاسی و تقویت درک امنیت جمعی بدون در نظر گرفتن پیش از حاکمیت کشورهای عضو می باشد. (torkibani,2018:126-128)

۲-۲- نابالغی نهادی^۱:

از دیگر چالش های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را می توان تحت عنوان اصطلاح نابالغی نهادی توصیف کرد که با دانستن شورا به عنوان یک نهاد مستقل اختیاراتی برای فعال کردن تصمیمات لازم برای انجام وظایف خود و تحلیل را ندارد می توان نام برد. شورای همکاری خلیج فارس عدم واکنش سریع برای پاسخ گویی به چالش ها و توانایی صدور قانون الزام آور برای کشورهای عضو که از طریق آن می توان کارهای نهادی را در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس ارتقا داد ولی شورای همکاری خلیج فارس در تصمیم گیری خارجی مستقل نیست (یاسین، ۲۰۱۷: ۱۳۲). بخصوص اگر بدانیم که بیشتر این عدم تعادل در عدم تعادل سازی تصمیمات شورای عالی شورای همکاری خلیج فارس در نتیجه عدم بلوغ ساختار اجرایی شورای همکاری خلیج فارس متمرکز است چرا که قدرت های اجرایی در آن متمرکز است اما یک موجودیت مستقل از اراده کشورهای موسس است.

دیگر فرصت های انتقال به حاکمیت دموکراتیک در شورای همکاری خلیج فارس در سطح محیط داخلی کشورهای عضو میباشد که همه کشورهای شورا دارای سیستم موروثی ژنتیکی می باشد که قدرت در انحصار خانواده ها می باشد و در نهایت حق تصمیم گیری و اقدام و ثروت و منابع کشور در دست آنها می باشد و این مهمترین چالش های داخلی را به دلیل خاص بودن این کشورها نشان می دهد مخصوصاً از زمانی که آنها و سیستم سیاسی مبتنی بر شورا و احکام و قوانین اسلامی مرتبط هستند و علاوه بر این شهای سنتی مبتنی بر مردم سالاری و تبعیت از خانواده های حاکم هنوز تا به امروز ادامه دارد و وفاداری به این وضعیت ملاک کارایی همچنان در اولویت می باشد و همچنین برخی از خانواده های حاکم راهی را که مبتنی بر مشارکت کامل با مردمانشان نیست، را آغاز کرده اند. (بلفاطمی، ۲۰۱۴: ۶۶).

شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً به اتحاد و قبیله ای در خانواده حاکم و برخی از نیروهای قبیله ای متفق و مذهبی اعتماد می کنند وفاداری سیاسی و تعلق ملی را تضعیف می کند و شهروندان شروع به تعریف رابطه خود با دولت از طریق تابعیت ملی بلکه از طریق روابط قبیله ای خود را معرفی می کنند و به همین دلیل می توانیم ببینیم

^۱ - Institutional Immaturity

که در چندین صفحه فقهی و منطقه‌ای یک تبعیض آشکار وجود دارد زیرا آنها هنوز در حمایت مالی دولت هستند و نقش مشارکت را ندارند و در روابط بین دولت‌ها و شهروندان آنها بر اساس این واقعیت است که آنها تابعیت دارند و نه شریک و به این ترتیب شورای همکاری خلیج فارس با عناصر مدرن خود به جای وفاداری شخصی از دولت قبلی به شکل مدرن منتقل یافته است و در اینجا ما معتقد هستیم که جنبه ارتفاع شهروندی به جای ایده سنتی ارتقا نیافته است. (Joseph, 2010:95-97). اما این مستلزم تحولات اجتماعی است که جامعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را از مرحله تکیه بر پیوندهای وابستگی قبیله‌ای به مرحله تکیه بر حقوق شهروندی سوق دهند.

در مورد قانون اساسی اگرچه این سیستم‌ها دارای قانون اساسی یا سیستم‌های حقوقی هستند اما تفاوت زیادی در درجه توسعه و ارزشهای سیاسی آنها وجود دارد و از نظر شخصیت پردازی یا استفاده از اصل مشارکت مردمی در قدرت اصل تفکیک قوا و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی متفاوت است، نشان می‌دهد که این قانون‌ها سیستم‌های سیاسی به دنبال تقویت مشروعیت خانواده‌های حاکم و نهادینه سازی آن‌ها هستند و این در حالی است که در قانون بر اساس مجلس مشورتی به عنوان ستون اصلی حکمرانی و همچنین ضرورت تاسیس شورا تاکید دارد اما آنها از نظر قانون اساسی و قانون گذاری و میزان مشارکت مردمی در نحوه شکل گیری و انتخاب آن از یک قانون به قانون اساسی دیگر متفاوت هستند و این در حالی است که کویت و به این قانون اساسی تشکیل یک شورای قانون گذاری منتخب را بر اساس دو مجلسی پیش‌بینی کرده و در امارات متحده عربی قانون اساسی تاسیس یک شورای مشورتی را پیش‌بینی کرده که نیمی از آن انتخابی و نیمی دیگر منصوبی هستند و در کشور عمان دو مجلس وجود دارد که یکی منتخب و دیگری منصوبی علی‌رغم این واقعیت این قانون اساسی و آیین‌نامه‌های اصل تفکیک قوا را پیش‌بینی می‌کند و علی‌رغم همه این موارد به امنیت آن است که در قانون اساسی و آیین‌نامه‌ها اصل تفکیک قوا را پیش‌بینی کرده و اختیارات گسترده‌ای را به استانداردها و ولایت‌ها می‌دهد که نشان می‌دهد به دلیل تفاوت در درک دموکراسی قانون اساسی مشابه وجود ندارد کشورهای شورا با عدم گشودگی سیاسی و آزادی‌های سیاسی منجر به عدم مشارکت سیاسی می‌شوند که به نوبه خود امکان اعتراضات مردمی مشابه حوادث سال ۲۰۱۱ به بعد را در کشور تحریک می‌کند. (مقروف، ۲۰۱۶: ۲۱۴-۲۱۷)، علاوه بر این با عدم درک مشترک در بین تصمیم‌گیرندگان در منطقه خلیج فارس در ماهیت و چالش‌ها و موانع و تهدیدهای پیش روی آنها ممکن است باعث بروز درگیری‌های داخلی بین اعضا شود مانند قطر در مقابل عربستان امارات و بحرین.

۳-۳ چالش‌های اقتصادی:

در مورد چالش اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باید گفت که در مورد مسئله اقتصادی رنج می‌برند زیرا به دلیل عدم تنوع در ساختارهای اقتصادی و همچنین وابستگی به یک کالای مشخص مانند نفت خطرات بیشتری را به همراه دارد و منافع حاصل از کالاها علی‌رغم اتخاذ راهبردها و برنامه‌های توسعه اقتصادی از سوی شورای همکاری خلیج فارس، به دلیل عوامل مختلفی با موانع زیادی روبرو بوده‌اند به ویژه عوامل سیاسی مرتبط از جمله پیشنهادات صندوق بین‌المللی پول که خواستار مشاهده این کشورها توسط صادرکنندگان نفت شده است که فروش کوتاه مدت آنها به نفت به عنوان کالایی واحد است که این موضوع با پیگیری شاخص‌های تولید ناخالص داخلی شورای همکاری خلیج فارس اثبات می‌شود، به عنوان مثال در سال ۲۰۱۶ نفت ۹۰٪ کل صادرات اعضای شورا به خارج از کشور تشکیل می‌داد برای مسائل عربستان با ۸۶ درصد و کشور قطر ۹۴٪ کویت ۹۰٪

سلطان نشین عمان ۸۴ درصد، از درآمدهای نفتی در سرمایه گذاری های طولانی مدت استفاده نمی شود و بیشتر هزینه ها در بخش های امنیتی و نظامی انجام شود که به نوبه خود بار سنگینی بر بودجه کشورهای اعضا می گذارد. (Aladin, 2020: 122-123).

۳-۴- چالش های اجتماعی:

چالش های اجتماعی بر ساختار جامعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سپس سیستم های سیاسی آن کشور ها تاثیر گذاشته است به ویژه با به حاشیه راندن نیروها و گروه های اجتماعی در این کشورها. این نوع گروه های اجتماعی میتوانند بر ثبات سیستم داخلی تأثیر بگذارند همانطور که در مورد گروه های اسلامی صدق می کند به عنوان مثال در سال ۱۹۹۴ همزمان با سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به عمان با اعتراضات مردمی روبرو شد و در همین زمینه از جمله شیعیان خواستار حقوق خود در سطح سیاسی اقتصادی و اجتماعی بودن را می توان وارد کرد. بنابراین با به حاشیه راندن این گروهها جامعه می تواند با استفاده از ابزارهای تاثیرگذار لابی برای نیروهای جامعه در برابر دولت های خلیج فارس برای تغییر سیاست های خود به طور مستقیم و غیر مستقیم و در صورت عدم پاسخ مثبت به این متغیرها اجتماعی و امنیت کشورهای شورا تاثیر می گذارد که ممکن است نیروهای بین المللی و منطقه ای را برای جذب نخبگان جامعه تحریک کند که طبیعتاً یک چالش اضافه شده در برابر امنیت کشورهای عضو می باشد.

۳-۴ مسئله کار و کارگران خارجی:

در تمامی کشورهای عضو کارگران خارجی از نظر اجتماعی به یک مشکل ثانویه تبدیل شده است مخصوصاً پس از آن که در مقایسه با ترکیب جمعیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس به سطوح بالای رسیده است که ممکن است منجر به تنش های اجتماعی اقتصادی و سیاسی بین شهروندان بومی و غیربومی شود. به عنوان نمونه به دلیل عدم تعادل وابستگی نیمی از کشور ها به نیروهای خارجی منجر به تشدید نرخ بیکاری بازارهای کار خارج فارس می شود که اثرات منفی بیکاری را به دنبال دارد که اشتغال ملی را در بخش دولتی که بیش از ۶۵ درصد را جذب می کند که علاوه بر این کارگران خارجی ممکن چالش های امنیتی ایجاد کنند که ممکن است تهدیدی برای ثبات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد یا ممکن است آن مهاجران از کشورهای منطقه و بین المللی را برای بازی نقش تنش زا در منطقه تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه باشد. (غام، ۱۶:۷۷-۲۰۱۶-۷۹)

۳-۵ چالش های امنیتی و نظامی:

مهم ترین چالش های امنیتی و نظامی که تهدیدات امنیت منطقه خلیج فارس را تهدید کرده است که محوریت فرقه گرایی و گسترش سازمان های تروریستی می باشد که علاوه بر این ناتوانی کشورهای شورا در ایجاد یک سیستم امنیت جمعی برای مقابله با چالش های امنیتی نظامی در آینده است. بنابراین فرقه گرایی و اشتغال منفی منجر به عدم تعادل ساختار امنیت داخلی شورا میشود که ممکن است در اختلافات سیاسی اقتصادی و اجتماعی در هر حال در ابعاد قومیتی منعکس شود که این خود نشان دهنده سیاست های دولت برای رسیدگی به مطالبات مردم است که با تداوم شیعه گری بیان می شود.

در سه کشور کویت، بحرین و عربستان سعودی با اختلافات در هم آمیختگی جامعه بین سنی‌ها و شیعیان در این منطقه وجود دارد که بنابراین تنش‌های شیعه و سنی مذهبی در مناطق خاص به ویژه پس از وقایع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ ظاهر شده است که ممکن است محرک‌های شناختی برای تولید تهدیدات مستقیم باشد که از معادله امنیتی خلیج فارس تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این کشورهای شورا قادر به دفاع از خود و محافظت نظامی نیستند که باعث شده است کشورهای شورا به طور جداگانه باور کنند که دستیابی به امنیت خود در اتحاد با یک ابرقدرت مانند آمریکا می‌باشد. بنابراین برای کشورهای شورای ایجاد یک چارچوب نظامی جمعی برای انجام وظایف برای حفاظت از خود در کشورهای عضو بوده است و آنها هم خیال به حضور نظامی خارجی متکی می‌باشند و کارهای تعمیر و نگهداری سلاح‌ها و سیستم‌های نظامی خود را انجام می‌دهند و در نتیجه انگیزه ایجاد اتحاد توانایی‌های دفاعی و امنیتی خلیج فارس را بین اعضا تضعیف می‌کند.

همکاری دفاعی متقابل به ویژه اگر بدانیم اولاً؛ کشورهای شورا به صورت جمعی و به صورت غیر فردی به دلایل مختلف از جمله توانایی داشتن هر یک از کشورهای شورا از تهدید متمایز به رسمیت شناختن طرف مقابل و توانایی ایجاد یک استراتژی دفاعی را ندارند دوماً؛ در هماهنگی از نظر سیستم‌ها و تجهیزات تسلیحاتی سازماندهی و آموزش در چارچوب تفکر استراتژیک در هر کشور خلیج فارس برنامه‌های متفاوت تسلیحاتی از یکدیگر را دارند سوماً؛ تعدد زیاد تسلیحات در برخی از کشورها و یک مقدار اثبات کمی از نظر فنی یا تاکتیکی به آنها احتیاج دارند و بقیه آنها اضافه می‌باشد چهارماً؛ کشورهای شورا تمایل به استفاده از نیروی نظامی در چارچوب تعاملات منطقه‌ای دارند. (Almezaini, 2020: 74-75). اما به درجات مختلف در چارچوب مسلح کردن بازیگران غیر دولتی و شبه نظامیان به صورت نیابتی به ویژه هنگامی که استفاده از آن برای دستیابی به منافع منجر به بحران و درگیری می‌شود با استفاده از نیروهای سپر جزیره برای مداخله در بحرین و استفاده از نیروی نظامی در یمن از طریق اتحاد عربی نشان دهنده بی‌ثباتی در آینده می‌باشد.

۳-۶ رقابت بر سر رهبری منطقه عربی:

پس از بهار عربی با و شروع بحران سوریه نگرانی کشورهای منطقه از جمله شیخ نشین‌های خلیج فارس جهت سرایت آن به داخل کشور افزایش یافت و تضمین بقای خود و از سوی دیگر جهت نقش آفرینی در منطقه، رقابت‌هایی را با یکدیگر برای ناامن کردن خود و حذف آرام قدرت‌های سنتی را آرام شروع کردند و این رقابت‌ها بیشتر از سوی ترکیه، عربستان، قطر و امارات بیشتر محسوس بود و پادشاه قطر در اوایل بحران سوریه به نمایندگی از آمریکا پرونده این کشور را برعهده گرفته و سعی خود را برای سرنگونی بشار اسد افزایش داد ولی با عدم موفقیت در حذف بشار اسد این پروژه از دست قطر خارج و همچنین در سال‌های اخیر اقدامات قطر از قبیل شبکه الجزیره، حمایت از اخوان المسلمین روابط با ایران روابط قطر با کشورهای منطقه تنش‌زا شده است. (Zareei, 2017: 24-27).

۳-۷ اخوان المسلمین محور اختلافات قطر و عربستان:

یکی دیگر از اختلافات دو کشور بر سر حمایت اخوان المسلمین می‌باشد که پس از بهار عربی عربستان تلاش کرد که آن را جزو سازمان‌های تروریستی بداند ولی قطری‌ها به حمایت از آن پرداختند و به حدی بود که در سال ۲۰۱۴ در یک جلسه شورای همکاری خلیج فارس باعث خروج سفرای عربستان، بحرین و امارات از دوحه شد و شدت آن

زمانی بود که بندر بن سلطان به مشروعیت این کشور حمله ور شد که در یک جلسه هماهنگی برای کمک به نظامیان مخالف سوری بود، برگزار شده بود. (Forouzan, 2017: 41-43). طبعاً وقتی صحبت از اخوان المسلمین مطرح می‌شود، پای ترکیه نیز به میان کشیده می‌شود، این کشور نیز یکی از رقبای اصلی عربستان در منطقه به شمار می‌رود. بخشی از این اختلافات نیز در عرصه سوریه خود را نشان می‌دهد. موضع گیری متضاد دو کشور عربستان و قطر به همراه ترکیه در مورد مشارکت مخالفان مسلح سوریه نشان از اختلاف نظرهای عمیق میان دو طرف می‌باشد، که برخی از کارشناسان به نقش ترکیه در تنش در روابط دو کشور قطر و عربستان معتقد می‌باشند و این درست زمانی است که کشور ترکیه در روابط چند جانبه خود از جمله نظامی، سیاسی و اقتصادی با قطر را مد نظر اولویت خود قرار می‌دهد تا عربستان. (Forouzan, 2017: 39)

از این منظر می‌بینیم که تنش در روابط قطر و عربستان جدایی از منافع منطقه‌ای دو کشور قطر و عربستان و شاخص‌های شخصیتی سران آنها، تابعی از منافع و برنامه‌های اسرائیلی-آمریکایی و بعضاً تسویه حساب‌های منطقه‌ای و مناقشات سرزمینی تاریخی است. از این منظر حتی اگر مانند موارد گذشته در کوتاه مدت سرپوشی موقت بر این تنش‌ها گذاشته شود، اما در دراز مدت روابط دوجانبه دوحه و ریاض حل ناشدنی به نظر می‌رسد.

۳-۸ شبکه الجزیره:

شبکه الجزیره از زمان تاسیس در سال ۱۹۹۶ انقلابی رسانه‌ای در کشورهای عربی پدید آورد. برای مردمان این کشورها که تحت سانسور رسانه‌ای شدید و همچنین کنترل دولتی بر رسانه‌ها بودند به دلیل پخش و گزارش سخنرانی‌های مربوط به مخالفان کشورهای عربی، مورد اعتراض بسیاری از کشورها شد و همچنین دولت وقت جرج بوش نیز مورد انتقاد قرار گرفت، سندی که از سوی ویکی‌لیکس و از میان مکاتبات دیپلماتیک دولت ایالات متحده آمریکا به دست آمده است نشان می‌دهد که محمد بن زائد ولیعهد امارات متحده عربی به هنگام حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ خواستار اعمال فشار آمریکا بر قطر برای تعطیلی شبکه الجزیره شده بود (Ajaoud & elmasry, 2020: 229). این سند حتی ادعا می‌کند که شاهزاده محمد بن زائد از نیروهای آمریکایی خواسته بود تا الجزیره را بمباران کنند. مشخص نیست که منظور این مقام اماراتی، بمباران دفتر مرکزی الجزیره در دوحه قطر بوده یا دفتر این شبکه در شهر بغداد عراق، به هر حال در همان زمان، آمریکا یک بمب الکتريسته را بالای دفتر الجزیره در شهر بغداد منفجر کرد که به کشته شدن دو نفر از کارمندان این شبکه منجر شد. در واکنش نیروهای آمریکایی اعلام کردند که این بمب به اشتباه شلیک شده بود. (Forouzan & alishahi, 2017: 22-26). اینگونه می‌توان گفت به علت مخالفت عربستان با دیگر کشورهای عربی با این شبکه به دلیل حمایت و فرصت دادن به مخالفان کشورهای عربی است.

۳-چشم انداز آینده برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس:

بررسی یک چشم انداز آینده نگر شامل چشم اندازهای آینده برای ماهیت چالش‌های داخلی موثر بر امنیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود که بر اساس پیش بینی، سه چشم انداز آینده مطابق الگوی زیر می‌باشد:

اولین احتمال امکان تقویت اصلاحات در سطح کشورهای اعضا است که می‌توان فرض کرد که تولد یکی از اصلی‌ترین پاسخ‌ها به چالش‌های امنیتی کشورهای شورا بر اساس امکان اصلاحات داخلی در سیستم‌ها و نهادهای کشورهای اعضا می‌باشد که در سطح سیستم‌های داخلی و چه مکانیسم‌های شورا (Rikli, 2015: 219). احتمال ارتقاء هماهنگی برای همکاری که در یک زمینه تدریجی به یکپارچگی منجر می‌شود تا به مرحله اتحاد بین کشورهای شورا برسد زیرا می‌تواند یک پیشرفت سیاسی قابل توجه در سیستم‌های همکاری شورا را مشاهده کنیم. بنابراین تعدادی از عوامل در ایجاد انگیزه برای این احتمال نقش دارند:

یک ماهیت متغیر خارجی؛ در عرصه‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی باروند‌های تحول دموکراتیک و ساز و کارهای رقابت اقتصاد جهانی ارائه می‌شود می‌تواند فرصت‌هایی را برای جهت‌گیری تغییر و اصلاحات باشد.

دوم؛ افزایش آگاهی از اهمیت مفهوم شهروندی و تقویت در چارچوب ساختار و سازه‌های سیاسی کشورهای عضو شورا.

سوم؛ در دسترس بودن و اراده سیاسی برای به رسمیت شناختن نقش جناح‌های کشورهای که خواستار تغییر سیاسی در چارچوب اصلاحات سیاسی در کشورهای عضو می‌باشند.

چهارم؛ وجود آگاهی آن کشورها برای کار در زمینه توسعه استراتژی‌های مشترک برای فرآیند مدرنیزاسیون و تجدید سنت‌ها و برای ایجاد امکان اصلاحات واقعی در کشورها.

پنجم؛ ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای در چارچوب معادله رقابت اقتصادی ممکن است باعث ایجاد انگیزه در کشورهای شورا برای تبلور داده‌های این احتمال در آینده شود. (الشایچی، ۲۰۱۶: ۳۳).

احتمال دوم: احتمال عقب‌نشینی شوراهای شورا از اصلاح سیستم‌های سیاسی آنها به جای همکاری در چارچوب روابط متقابل که منجر به افزایش سطح تنش و تناقض بین کشورهای شورا می‌شود. (almujaini, 2021: 41). در اینجا می‌توانیم مهمترین محرک‌های انگیزشی را برای پیش‌بینی ظهور این احتمال را در آینده نوید دهیم:

۱- افزایش تضادها و اختلافات خانوادگی در آینده زیرا تقسیم داخلی یکی از مهم‌ترین خطرات پیش‌روی سیستم‌های شورا با اختلافات شدید بین نخبگان سیاسی نسل جدید و قدیمی رقابت بین آنها برای بدست گرفتن قدرت و شاخص‌های رو به رشد و تقویت می‌شود.

۲- عدم اراده سیاسی مبتنی بر فعال کردن ورودی‌های اصلاحات در سیستم‌های کشورهای عضو و چارچوب نهادی برای دستیابی به تولید و ترویج تزه‌های تحول دموکراتیک.

۳- عدم مخالفت سیاسی موثر و سازمان‌یافته در چارچوب اقدامات سیاسی ظهور رهبران منطقه و خانواده‌ای به جای رهبران حزب.

۴- تداوم رکود عدم بلوغ کار نهادی و تقویت امکانات اصلاحات سیاسی و نقش کانال‌های مردمی برای تاثیرگذاری بر سیستم‌های شورا.

احتمال سوم:

امکان تداوم شرایط داخلی مربوط به سیستم های سیاسی کشورهای شورا و عدم اصلاحات سیاسی در واقع ماهیت دولت را تغییر می دهد زیرا این امکان بر تداوم رژیم های خلیج فارس در آن ها با تمرکز است رویکرد بقا بر اساس قانون و عدم وجود تغییرات پویا در روند دموکراتیک در کوتاه مدت و میان مدت برای مطالعات آینده و احتمال درگیری بین نسل جدید نخبگان سیاسی و نسل قدیم و عواقب منفی بر واقعیت اقدامات سیاسی در کشورهایشان را در آینده خواهد داشت. (Ammar,2019:337-338) بارزترین عواملی که اعتبار این احتمال را تقویت می کند عوامل زیر است:

۱- هویت های خیلی مذهبی و خانوادگی در تاریخ و ساختار جامعه کشورهای عضو که نقش مهمی دارد به ماهیت رژیم های خلیج فارس و کشورهای آن مشروعیت سیاسی می بخشد.

۲- کمبود سازمانهای سیاسی موثر در چارچوب اپوزیسیون سیاسی تکامل یافته که بتواند تغییراتی در سطح محیط داخلی ایجاد کند.

۳- تعاملات عامل خارجی مربوط به ماهیت روابط بین آمریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که علی رغم درخواست آمریکا برای لزوم اصلاحات سیاسی دموکراتیک زمینه هایی برای جایگزینی آن امکان پذیر بوده است که جریان های خشونت آمیز را به دنبال داشته است.

۴- امکان استفاده از توانایی های اقتصادی موجود در کشورهای این شورا برای حفظ تداوم وضعیت موجود و ایجاد تغییرات اساسی در سطح محیط داخلی شورا.

نتیجه گیری:

ما در این تحقیق تحت عنوان مشکل امنیت شورای همکاری خلیج فارس و مطالعه چالش های داخلی و چشم اندازهای آینده سعی در درک ماهیت چالش های داخلی پیش روی کشورهای شورا و چشم انداز های آنها را برای آینده را داشته ایم.

کشورهای شورا در نتیجه عدم توافق در دستیابی به تفاهم در بسیاری از موضوعات امکان دستیابی به موفقیت نتوانسته اند یک سیاست مشترک دفاعی و امنیتی در میان کشورهای خود برای محافظت از امنیت خود به دور از دو قطبی بر نفوذ بازیگر خارجی مثل آمریکا ایجاد کنند اختلافات دیگر در سطوح مختلف در اینجا می توانید دلیل این را در موارد زیر خلاصه کنیم:

- اختلاف در ظرفیت ها در میان کشورهای شورا و اختلافات سیاسی بین اعضا
- عدم توافق در مورد تبیین ماهیت چالش ها و تهدیدهای پیش روی امنیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در تعریف های چالش های امنیتی معاصر تلاقی دارد. دیدگاه های بسیاری در مورد مفاهیم وجود دارد و نیز کشورها مفهوم نظامی سنتی را به مفاهیم معاصر امنیتی ارائه می دهد مفاهیمی که به آن پرداخته شد.

بر این اساس در این پژوهش به نتایج زیر دست یافته ایم:

- ۱- کشورهای شورا با چالش‌های بالاتر از درجه متفاوت و متعارف روبرو هستند و بدون چارچوب مشترکی برای برخورد با آنها، منبعی برای تهدید فضای امنیتی منطقه خلیج فارس شده اند.
- ۲- تنش‌های سیاسی در کشورهای شورا فقط به هر کشور محدود نمی‌شود، بلکه به کل منطقه محدود می‌شود.
- ۳- اختلافات و تناقضات بین کشورهای شورا به دامنه درک و توانایی‌ها و ویژگی‌های اصلی آنها گسترش یافته که منجر به تولید بی‌اعتمادی بین کشورهای بزرگ و کوچک در زمینه محیط منطقه خلیج فارس شده و بیشترین نشانه قابل توجهی از بحران اخیر بین قطر و عربستان که به تقویت امنیت تعاملات بین کشورهای شورا کمک کرده است که منجر به ظهور ادراکات و برداشتن‌ها از تصورات می‌شود که تهدیدات امنیتی آن از داخل است و خارج از محدوده محیط خلیج فارس نیست.
- ۴- مشکلات و اختلافات تاریخی در بسیاری از موضوعات خواه مشکلات سیاسی یا مرزی منجر به اختلاف دیدگاه مشترک بسیاری از چالش‌های داخلی بوده است.
- ۵- عدم موفقیت کشورهای شورا در دست‌یابی به توسعه اقتصادی یکپارچه و بنابراین قادر به تنوع بخشیدن به ساختارهای اقتصادی خود و یافتن گزینه‌های واقعی برای درآمد حاصل از درآمد به دلار نیست.
- ۶- عدم تعادل در ترکیب جمعیت بومی و خارج از کشور در نتیجه سیاست‌های ضعیف و قانون‌گذاری کشورهای شورا به ظهور طیف وسیعی از چالش‌ها در سطح اجتماعی کمک کرده که خود یک چالش دیگر می‌باشد.
- ۷- اختلافات سیاسی و بی‌اعتمادی و ویژگی‌های خاص جمعیتی از میان کشورهای شورا، منجر به عدم توسعه سیاست دفاعی امنیتی مشترک و وابستگی به آمریکا شده که تعادل مثبتی در مقابل تهدیدات داخلی است که ممکن است در آینده کشورهای شورا را تهدید کند.

منابع:

- ۱- اساسنامه شورای همکاری خلیج فارس.
- ۲- افراسیاب پور، حامد (۱۳۹۳)، «تحلیل پویای امنیتی شورای همکاری خلیج فارس»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیستم، شماره ۸۸، پاییز.
- ۳- امام جمعه زاده، سید جواد و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، «شورای همکاری خلیج فارس در میان ژئوپلتیک مقاومت»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
- ۴- بوزان، باری و اولی ویور (۱۳۸۸)، **مناطق و قدرتها: ساختار امنیت بین الملل**، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: نشر مطالعات راهبردی.
- ۵- بوزان، باری (۱۳۸۹)، **مردم، دولت و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر مطالعات راهبردی، چ دوم.
- ۶- پیری نسب، محمد (۱۳۸۳)، **تاثیر سیاست اعتماد سازی و تنش زدایی در همکاری متقابل ایران و شورای همکاری خلیج فارس**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مفید.
- ۷- حدیری عبدی، احمد (۱۳۸۶)، «اتحادیه منطقه خلیج فارس؛ موانع و مشکلات شکل‌گیری»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، مهر و آبان، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶.
- ۸- دلاژ، ایوبیه و ژراژ کزیزیک (۱۳۶۶)، **توفان خلیج فارس**، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: نشر اطلاعات.

- ۹- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰- طارمی، کامران (۱۳۸۵)، «دیدگاه ها و سیاستهای ایران در مورد امنیت خلیج فارس»، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، شماره ۷، بهار.
- ۱۱- طبری، تقی (۱۳۸۱)، نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل گیری و استمرار شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۹، زمستان.
- ۱۲- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت: مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: نشر موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر، چ اول.
- ۱۳- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۵)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- Almezaini, Khaled, (2020), Fostering A New Security Architecture in Middle East, Foundation for European Progressive Studies.
- Almujaani, Ahmad, (2021), Persian Gulf Cooperation Council (GCC) Security and Defense Challenges, Sultan Qaboos University.
- Alsaidi, Mohammad and Sally Saliba (2019), Whater and Food Supply Security in The Persian Gulf Cooperation Council (GCC) Countries-A Risk Perspective, MDPI Press, number 11, march 2019.
- Arafat, al-aldin, (2020), the GCC Threats and Security Challenges, Palgrave Macmillan Publisher.
- Buzan, Barry and Waver, Dewilde (1998), Regions and Powers the Structure of International Security, New York, Cambridge University Press.
- Buzan, barry, (1991), People, State and Fear: An Agenda for International Security Studies in The Post-Cold War Era. London.
- Buzan, Barry, (2010), Security Architecture in Asia: The Interplay of Regional and Global Levels.
- Costner, Joseph. (2010), the GCC States and The Security Challenges of the Twenty Century, the Begin-Sadat Center for Strategic Studies Berlin University, n21, v86.
- Koch, Cristian, (2010), the GCC as a regional security organization, as international reports.
- Rikli, Jera Marc and Victor Gervais (2015), New Security Dynamics in The Gulf and The Transformation of the GCC States Security Agenda, Gulf Research Center Cambridge Press.
- Torkibani, Salameh Mohammad, (2018), Challenges Facing National Security in The Arab Gulf States: A Case Study of Bahrain, international journal of humanities and social science, V7, N12, December.
- Walt, Stephen, (1987), the origins of alliances ithcea, cornell university press.
- Wherey, Fredric, (2015), Imaging A New Security Order in The Persian Gulf, Washington Caringie Press.

الشیاجی خلیفه، عبدالله (۲۰۱۳)، «تحدیدات و مستقبل الاتحاد الخلیجی»، المحاضرات الامارات - مرکز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتیجیه.

الانصاری، احمد ابراهیم، (۲۰۱۷)، التحدیدات الاستراتیجیه لدول التعاون لدول الخلیج العربیه فی ظل المتغیرات الخلیجیه و الدولیه (۲۰۱۰-۲۰۱۶)، جامعہ الشرق الاوسط. امان - الاردن - ايار ۲۰۱۷.

بلفاطمی غباس و الاخرون (۲۰۱۴)، «تحدیدات الاندماج الاقتصادي الخلیجی»، مجله اقتصادیات شمال افریقا عدد ۵، تموز.

یاسین ، خسوف، (۲۰۱۷)، «احکایه الامن فی منطقه الخلیج بین السیاست الاقلیمیة و الاستراتیجیات الدولیة، جامعہ محمد خیضر بسکره.

رضی ، حیدر، (۲۰۲۰)، «تحدیدات استرتیجیة امام مجلس التعاون الخلیجی»، الجریده الیومیة لاولی فی البحرین، علی موجود فی موقع:

<http://www.akhbar-alkhaleej.com/news/article/1220031>

غام، المطیری، (۲۰۱۶)، «دور مجلس التعاون الخلیجی فی حفظ امن منطقه الخلیج، جامعہ الشرق الاوسط، امان- الاردن.

مقروف، محمد (۲۰۱۶)، «المتغیرات الاقلیمیة و الدولیة و تاثیرها علی مجلس التعاون لدول خلیج العربیة، جامعہ الجزائر بن یوسف خده، ۲۰۱۶.

